

گونه‌شناسی و تحلیل تاریخی فعالیت‌های علمی و آموزشی امام رضا (علیه السلام)

مرتضی امامی^۱، محمدحسین امامی^۲

چکیده

برخی از مورخین معتقدند که ائمه (علیهم السلام)، به دلیل شرایط سخت سیاسی و تمرکز بر مبارزه با حاکمیت، آثار مکتوبی از خود به جای نگذاشته‌اند. پژوهش حاضر در پی اثبات این فرضیه است که امامان شیعه به‌ویژه پس از امام صادق (علیه السلام)، و در دوران امامت امام رضا (علیه السلام) نه تنها به مبارزه سیاسی پرداخته‌اند، بلکه در اوج تنش‌های دوران عباسی، نقش حداکثری در پیشبرد علوم اسلامی ایفا کرده، میراث علمی غنی از خود به جا گذاشته و نظام آموزشی پویایی را پایه‌ریزی نمودند. پژوهش حاضر به روش توصیفی - تحلیلی و با رویکرد تاریخی با مراجعه به منابع دست اول تاریخی و حدیثی دو مذهب شیعه و سنی انجام شد. نتایج بررسی‌ها نشان داد که دیدگاه انکارکنندگان فعالیت‌های علمی امام رضا (علیه السلام) فاقد پایه و اساس است؛ چراکه که آن حضرت علاوه بر تبیین ارزش آموزش و فعالیت‌های آموزشی گسترده در قالب برگزاری حلقه‌های درسی گسترده و شرکت در مجالس مناظرات علمی، دارای آثاری مکتوب همچون صحیفه‌الرضا، فقه‌الرضا و رساله‌ای در عقائد با عنوان محض الاسلام و... بود و مهم‌ترین راه حفاظت از میراث حدیثی شیعه را در کنترل و ارزیابی آنها دانسته است. **واژگان کلیدی:** فعالیت‌های علمی امام رضا (علیه السلام)، آثار مکتوب امام رضا (علیه السلام)، تحلیل تاریخی دوران امام رضا (علیه السلام)، نگارش حدیث در دوران امام رضا (علیه السلام).

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ ارسال: ۱۴۰۲/۱۲/۵ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۲/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۶
۱. استاد یار گروه معارف اسلامی، رشته تفسیر و علوم قرآن، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران. (نویسنده مسئول)
Email: emami@kashanu.ac.ir ORCID: 0000-0001-9876-134X
۲. دکتری فلسفه اخلاق، گروه اخلاق، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه قم، قم، ایران.
Email: Mohammadhosseinemami2014@gmail.com ORCID: 0000-0003-2959-8942

۱. مقدمه

عده‌ای از مستشرقان و علمای عامه در آثار خود برخی از اهل بیت علیهم‌السلام به‌ویژه امامان بعد از امام صادق علیه‌السلام را متهم می‌کنند که آنان آثار علمی نداشته و فعالیت‌های حدیثی آنان محدود به چندین روایت بوده است؛ زیرا در این دوران ائمه علیهم‌السلام یا زندانی و یا مشغول مبارزات سیاسی بوده‌اند، در نتیجه فعالیت علمی قابل توجهی نداشته‌اند. (پاکتچی، ۱۳۸۴، ص ۱۸۸) این در حالی است که برابر گزارش بسیاری از منابع شیعی و غیر شیعی، اندیشمندان اسلامی همواره آثار متعددی را منسوب به امامان علیهم‌السلام دانسته‌اند.

برای نقد این نوع نگاه، باید مروری تاریخی و تحلیلی بر مجموعه فعالیت‌های ائمه معصومین علیهم‌السلام صورت گیرد تا نقش برجسته آنان در اعتلای تمدن اسلامی روشن شود. تردیدی نیست که شناخت اقدامات عملی و علمی معصومین علیهم‌السلام و بررسی آثار مکتوب منتسب به ایشان و میراث حدیثی شیعی، مؤلفه‌هایی است که با بررسی و تحلیل آن می‌توان به فهم درستی از نقش معصومین علیهم‌السلام در نظام آموزشی شیعی دست یافت.

دوره امامت امام رضا علیه‌السلام که در زمان خلافت هارون الرشید، محمدامین و عبدالله مأمون، بود از حیث علمی و فرهنگی حائز اهمیت ویژه‌ای است؛ زیرا همان‌گونه که در این زمان وسعت کشور اسلامی به بالاترین حد خود در طول تاریخ رسید، ظهور افکار بیگانه و ترجمه آثار علمی ایشان نیز که از زمان امویان شروع شده بود، در عصر عباسیان به‌ویژه در زمان هارون و مأمون به اوج خود رسید. (طوقش، ۱۳۸۰، ص ۱۳۸) مأمون نامه‌ای به پادشاه روم نوشت و مجموعه‌ای از علوم قدیم و آثار ارسطو را درخواست کرد و کتابخانه بزرگ بغداد را مأمور ترجمه آنها نمود. همچنین حنین بن اسحاق بعضی از کتب سقراط، جالینوس و ابن مقفع، و نیز کتاب کلیله و دمنه و کتاب اقلیدس را به عربی برگرداندند و یعقوب ابن اسحاق کندی نیز بسیاری از کتاب‌های فلسفی را به عربی ترجمه نمود (پیشوایی، ۱۳۹۰، ۵۲۹/۱).

آنچه مایه نگرانی بود اینکه در بین این مترجمان افرادی متعصب و سرسخت از دیگر مذاهب و ادیان مانند زردشتی، صائبی، نسطوری، برهمن‌های هند و رومیان وجود داشتند و عصر ترجمه فرصتی بود برای نشر و القاء افکار خودشان به سایر افراد. اضافه بر آن، محتوای این کتب نیز می‌توانست شبهاتی به‌همراه داشته باشد. امام رضا علیه‌السلام با آگاهی



از این خطر با حضور فعال در جلسات بحث‌های علمی که توسط مأمون برگزار می‌شد، سعی کرد جلوی هرگونه انحراف احتمالی را بگیرند و برتری مکتب اهل بیت علیهم‌السلام را نشان دهد. شاهد دیگر اینکه تا پس از شهادت امام علیه‌السلام دیگر اثری از این مجالس و بحث‌های کلامی دیده نشد. همچنین امام علیه‌السلام خود فرمود: «هنگامی که من با اهل تورات به توراتشان، با اهل انجیل به انجیل‌شان، با اهل زبور با زبورشان، با ستاره‌پرستان به شیوه عبرانی‌شان، با موبدان به شیوه پارسی‌شان با رومیان به سبک خودشان استدلال کرده و همه را به تصدیق سخن خود وادار کنم، مأمون یقیناً پشیمان خواهد شد». (پیشوایی، ۱۳۹۰، ص ۵۰۹)

اهمیت مقابله با انحرافات اعتقادی سبب شد تا امام رضا علیه‌السلام در دوران هارون که آزادی نسبی داشت، فعالیت‌های فرهنگی و علمی وسیعی را آغاز و شاگردان زیادی را تربیت نماید. ایشان به شاگردانش دستور می‌داد که روایات را تدوین و نگهداری کنند همچنین به علی بن اسباط می‌فرمود: «آیاتی را که تفسیر می‌شود، یادداشت کن». (حسینی جلالی، ۱۳۷۶، ص ۱۷۶)

در این عصر، هفتاد و هفت تن از شاگردان حضرت، تألیف حدیثی داشتند که در مجموع ۲۰۷ کتاب تصنیف نمودند. در میان آنها می‌توان از حسین بن سعید اهوازی با ۳۰ اثر، صفوان بن یحیی با ۱۶ اثر؛ محمد بن عمر واقدی با ۲۸ اثر و موسی بن قاسم با ۱۵ اثر نام برد. (میرخانی، ۱۳۷۵، ص ۲۳۶ و ۲۶۳) راویانی که در این عصر از حضرت روایت نقل کرده‌اند نیز طبق رجال شیخ طوسی ۱۳۸ نفر می‌باشند (شیخ طوسی، ۱۴۰۹ ه.ق، ص ۳۶۶ و ۳۹۷).

پژوهش حاضر بر آن است تا با تأکید بر فعالیت‌های علمی و آموزشی امام رضا علیه‌السلام که در منابع فریقین انعکاس یافته و تحلیل آن فعالیت‌ها، تبیین دقیق‌تری از شخصیت علمی ایشان و اثراتی را که در آموزش و نشر علوم اسلامی داشته‌اند، ارائه دهد.

درمورد آثار علمی اهل بیت علیهم‌السلام آثاری همچون کتاب *اعیان الشیعه* از سید محسن امین، کتاب *تدوین السنة الشریفه* از محمد رضا حسینی، کتب مربوط به تاریخ ائمه از باقر شریف قرشی و منع تدوین *الحديث* از سید علی شهرستانی تدوین و منتشر شده است. همچنین درمورد امام رضا علیه‌السلام نیز در حوزه حدیث، کتاب *صحیفه رضویه* که متضمن روایاتی در حوزه نماز و فضایل اهل بیت علیهم‌السلام است، منتشر شده است و مکتوبه رساله تمام *الشریعه المصطفویه* در علم کلام که مخاطب آن مأمون عباسی است در مورد امام رضا علیه‌السلام



به نگارش درآمده است، اما تاکنون مطالعه جامعی درباره مجموعه آثار علمی امام رضا (ع) در تمام حوزه‌های آموزشی انجام نشده است.

۲. شاخص‌های سنجش فعالیت‌های علمی امام رضا (ع)

۲-۱. دانش‌اندوزی و نگارش حدیث توسط امام رضا (ع)

امام رضا (ع) در راستای فعالیت‌های علمی و آموزشی، افزون بر سفارش به نگارش احادیث (صفار، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۴۰۸/۱)، بر طلب علم، تدریس، تفقه و تفهیم محتوای آموزه‌های دینی تأکید داشت (ابن بابویه قمی، ۱۳۷۸ هـ.ق، ۲۰۷/۱). آن حضرت همواره یادگیری علوم اهل بیت (ع) و نقش آن در سعادت بشر را به شیعیان گوشزد می‌کرد و در این باره می‌فرمود: «دانش‌های ما را فراگیرید و به مردم یاد دهید؛ زیرا اگر مردم، زیبایی سخن ما را درک کنند از ما پیروی می‌کنند» (ابن بابویه قمی، ۱۳۷۸ هـ.ق، ۲۰۷/۱). ایشان همچنین با نقل روایتی از رسول خدا (ص) درباره عظمت و ارزش علم‌آموزی اظهار داشت: «ملائکه، بال‌های خود را برای طالب علم پهن می‌کنند» (ابن حبان، بی‌تا، ۱۶۰/۱). برپایه این تأکیدات، شاگردان در جلسات درس امام رضا (ع) با کاغذ و قلم حاضر می‌شدند (ر.ک.، صفار، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۴۰۸/۱) و گاهی خود حضرت کاغذ و قلم در اختیار آنان قرار می‌داد تا روایات را بنویسند (ر.ک.، کلینی، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۵۹/۲).

۲-۲. میراث علمی امام رضا (ع)

در میراث علمی امام رضا (ع) مباحثی همچون جلسات درس، میراث مکتوب یا شفاهی، شاگردان و روش‌های علمی و آموزشی مورد توجه قرار می‌گیرد.

۲-۲-۱. جلسات درسی امام رضا (ع)

امام رضا (ع) به برکت پدر گرامی‌اش به «عالم آل محمد (ع)» معروف شد (اربلی، ۱۳۸۱ هـ.ق، ۳۱۷/۲). ایشان درباره تدریس در مسجد نبوی (ص) فرمود: «من در روضه پیامبر (ص) می‌نشستم و دانشمندانی که در مدینه بودند، هرگاه در مسئله‌ای بی‌پاسخ می‌ماندند، به من ارجاع می‌دادند و مسائل خود را نزد من می‌فرستادند و من به آنان پاسخ می‌دادم» (اربلی، ۱۳۸۱ هـ.ق، ۳۱۷/۲). طبق گزارشی، امام رضا (ع) زمانی که بیست‌و‌اندی سال بیشتر نداشت، در مسجد رسول خدا (ص) فتوا می‌داد (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵ هـ.ق، ۳۳۹/۷). ذهبی (م ۷۴۸ ق) با استنباط از همین گزارش می‌نویسد: «آن

حضرت در جوانی و در زمان حیات مالک بن انس (فقیه مدینه)، فتوا می‌داد» (ذهبی، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۳۸۸/۹). امام رضا (ع) با وجود آزادی نسبی، فعالیت‌های گوناگون علمی و آموزشی خود را در مکان‌های مختلفی انجام می‌داد؛ از جمله در منزل (ر.ک.، کلینی، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۴۲۸/۲ و ۲۳/۴)، مسجد النبی (ر.ک.، مفید، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۲۵۵/۲؛ اربلی، ۱۳۸۱ هـ.ق، ۸۳۵/۲)، در قالب جلسات بحث، مانند مناظره با محمد بن ابی نصر در مسجدی از محله‌های مدینه (ر.ک.، حمیری، ۱۴۱۳ هـ.ق، ص ۳۴۷)، در حلقه‌های درسی ایام حج (ر.ک.، ابن بابویه قمی، ۱۳۷۸ هـ.ق، ۱۲۶/۱)، یا در شهرهایی مانند مرو (ر.ک.، حمیری، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۱۷۲/۲) و بصره (ر.ک.، کلینی، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۲۵۲/۶). گاهی نیز مباحث علمی ایشان در پاسخ به سؤال‌هایی که می‌شد، شکل می‌گرفت؛ نظیر روایاتی که با عبارت‌هایی چون «سألت علی بن موسی» و «دخلت علی ابی الحسن الرضا» آغاز می‌شوند. امام رضا (ع) در این جلسات، افزون بر پاسخ‌گویی به سؤال‌ها و شبهه‌ها یا مناظره با ادیان و مذاهب، به صورت حضوری یا مکاتبه‌ای، بنیادهای فکری شیعه را آموزش می‌داد (کلینی، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۳۲۳/۴) و افراد زیادی را مجذوب خود می‌کرد.^۱

امام رضا (ع) گاه علنی و گاه مخفیانه در منزل خود به شیعیان حدیث و سایر آموزه‌های دینی را می‌آموخت. برای نمونه، به زکریا بن آدم و احمد بن محمد بن ابی نصر، شبانه آموزش می‌داد (ر.ک.، طوسی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۸۷۳/۲ و ۸۵۲-۸۵۳) و گاهی در طول روز با حضور علمای عامه یا فقهای شیعه جلسه درس داشت (ر.ک.، ابن بابویه قمی، ۱۳۷۸ هـ.ق، ۱۲۹/۲؛ طوسی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۲۴/۶). آن حضرت، گاهی با شاگردان خود به بحث‌های علمی کلامی یا فقهی می‌پرداخت و از آنان نظرخواهی می‌کرد.^۲ سلیمان جعفری نقل می‌کند: «در منزل امام رضا (ع) بودم و جمعیت زیادی پیرامون ایشان حضور داشتند و سؤال‌هایی می‌پرسیدند و آن حضرت پاسخ می‌داد» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ هـ.ق، ۳۳۴/۴). افزون بر مدینه، بصره نیز از شهرهایی بود که در هنگام حضور موقت امام رضا (ع) در آنجا، یونس بن عبدالرحمان به محضر ایشان رسید و سؤال‌های فقهی خود را پرسید (ر.ک.، کلینی، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۲۵۲/۶). همچنین آن حضرت، به پرسش‌های مکتوب شیعیان بصره درباره

۱. تأثیرات جلسات درس امام رضا (ع) تا آنجا بود که ابوالحسن علی بن عبیدالله بن حسین بن علی بن حسین (ع) با گرایشات زیدی، حاضر نشد جانشین ابن طباطبای شود و در قیام ابوالسرایا شرکت کند. از این رو، ابوالسرایا محمد بن محمد بن زید بن علی بن حسین (ع) نوجوان علوی را جانشین ابن طباطبای کرد. (نجاشی، ۱۴۱۶ هـ.ق، ص ۲۵۶)

۲. برای نمونه، ابراهیم بن عباس در محضر امام رضا (ع) بحث علمی درباره عقائد معتزله داشت (ابن بابویه قمی، ۱۳۹۸ هـ.ق، ص ۴۰۶) و حضرت حکم ازدواج مرد مسلمان با زن مسیحی را از حسن بن جهم، پرسید (کلینی، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۳۵۷/۵).

احکام حج پاسخ می‌داد (ر.ک.، کلینی، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۳۲۳/۴). ایشان در مرو نیز کرسی درس حدیث و کلام داشت تا آنجا که مأمون دستور تعطیلی این جلسات را صادر کرد (ر.ک.، ابن بابویه قمی، ۱۳۷۸ هـ.ق، ۱۷۲/۲).

از جمله آثار فعالیت علمی امام رضا (ع) و حتی قداست ایشان، برقراری جلسات درس برای علمای عامه و شیعه بود. (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۳۳۹/۷؛ ابن عساکر، ۱۴۱۷ هـ.ق، ۴۶۳/۵). توجه و علاقه عموم مردم و نیز بسیاری از میراث‌داران حدیثی به آن حضرت بسیار بود؛ برای نمونه، ابو محفوظ معروف بن فیروزان مشهور به معروف کرخی و پدرش که مسیحی بودند، با هدایت امام رضا (ع) مسلمان شدند (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ هـ.ق، ۳۶۱/۴). حسن بن علی بن فضال از مذهب فطحیه (نجاشی، ۱۴۱۶ هـ.ق، ص ۳۵)، عثمان بن عیسی^۱، حسن بن علی و شاء (کلینی، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۳۵۴/۱؛ نجاشی، ۱۴۱۶ هـ.ق، ص ۳۹) و عبدالله بن مُغیره (طوسی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۸۵۷/۲ و ۸۳۰) نیز با مشاهده کراماتی از امام رضا (ع) از مذهب واقفیه به امامیه گرویدند. حسین بن بشّار نیز پس از گفت‌وگو با امام رضا (ع)، به شهادت امام کاظم (ع) و امامت ایشان یقین پیدا کرد (طوسی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۷۴۶/۲). همچنین، برخی از خوارج خراسان اعتراف کردند که آن حضرت فرزند حقیقی رسول خدا ﷺ و انسانی راستگو است (قطب راوندی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۷۶۶/۲-۷۶۷). حتی عالمان سنی مانند اسحاق بن راهویه مروزی (م ۲۳۷ هـ.ق) احترام خاصی برای ایشان قائل بودند (ابن بابویه قمی، ۱۳۷۸ هـ.ق، ۱۳۴/۲).

۲-۲-۲. میراث مکتوب و علوم روایی امام رضا (ع)

در میان مخالفان شیعه، ابن تیمیه (م ۷۲۸ هـ.ق) از جمله کسانی است که ضمن انکار پارسایی امام رضا (ع)، منکر افضلیت و مرجعیت علمی ایشان نیز شده است و در این باره ادعای می‌کند: «در روزگار علی بن موسی (ع) کسانی چون شافعی، اسحاق بن راهویه، احمد بن حنبل، آشه‌بن عبدالعزیز، ابوسلیمان دارانی، معروف کرخی و مانند ایشان می‌زیسته‌اند که از او داناتر و پارساتر بوده‌اند. افزون بر این، محدثان چیزی از علم آن حضرت را دریافت نکرده‌اند و در کتاب‌های سته نیز حدیثی از او روایت نشده است. عالمان اهل تسنن نیز علوم معروفی از او نگرفته‌اند» (ابن تیمیه، ۱۴۰۶ هـ.ق، ۶۰۴-۶۲). در نقد دیدگاه ابن تیمیه می‌توان گفت: نخست، عدم نقل روایت از یک امام در منابع خاص، دلیل بر نداشتن علم نیست. دوم، به صورت نقضی، بسیاری از عالمان عامه، ۱. عثمان بن عیسی، توبه کرد و اموالی را که از امام کاظم (ع) و وجوهات شرعی در اختیارش بود، به امام رضا (ع) تحویل داد. (نجاشی، ۱۴۱۶ هـ.ق، ص ۳۰۰)

همچون ابن حبان (م ۳۵۴ هـ.ق) (ابن حبان، بی تا، ۱/۱۶۰)، ابن جر جانی (م ۳۶۵ هـ.ق) (ابن عدی جرجانی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۳۴۲/۲) و دارقُطنی (م ۳۸۵ هـ.ق) (دارقُطنی، ۱۴۱۸ هـ.ق، ۲/۱۲۳)، با تجلیل از شخصیت امام رضا علیه السلام، به نقل احادیث ایشان در حوزه‌های اخلاق، اعتقادات و فقه اهتمام داشته‌اند.

افزون بر موارد پیشین، روایات منقول از امام رضا علیه السلام در منابعی از اهل سنت مانند حدیث سلسله‌الذهب (ابن سلامه قضاعی، ۱۴۰۵ هـ.ق، ۲/۳۲۲؛ ابن عساکر، ۱۴۱۷ هـ.ق، ۴۸/۳۶۷)، روایاتی در باب تفقه (خطیب بغدادی، ۱۴۰۸ هـ.ق، ص ۳۱)، ایمان و دیگر موضوعات دینی (بی‌هقی، ۱۴۱۰ هـ.ق، ۴۸/۱؛ بی‌هقی، ۱۴۱۰ هـ.ق، ۱۸۴/۲) و نیز مسائل کلامی (مزی، ۱۴۰۶ هـ.ق، ۲۱/۱۵۱-۱۵۲)، تنها بخشی از میراث روایی امام رضا علیه السلام را تشکیل می‌دهد. همچنین، بخش عظیم دیگری از میراث علمی امام رضا علیه السلام در منابع شیعی، به ویژه کتاب عیون اخبار الرضا علیه السلام اثر شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق)، ثبت و ضبط شده است. بنا بر گزارش‌های تاریخی و منابع حدیثی، امام رضا علیه السلام افزون بر نقل روایت، کتاب‌هایی را نیز برای شیعیان به یادگار گذاشته‌اند که نسخه‌ای از آنها نزد ابراهیم بن ابی محمود بوده است. وی کتاب مسائل امام کاظم علیه السلام را که شامل ۲۵ برگ و چندین کتابت از امام رضا علیه السلام بود به امام جواد علیه السلام نشان داد و امام جواد علیه السلام کتابی را که به خط پدرشان بود، تأیید کرد (طوسی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۲/۸۳۸). افزون بر این آثار، کتاب‌های دیگری همچون صحیفه الرضا^۱، طب الرضا علیه السلام و فقه الرضا علیه السلام به امام رضا علیه السلام نسبت داده شده که برگرفته از روایات ایشان است. کتاب صحیفه الرضا علیه السلام نزد علمای شیعه از منابع مهم روایی است و همچون کتاب‌های شیخ صدوق مانند کتاب توحید و عیون اخبار الرضا علیه السلام به شمار می‌رود. از جمله بزرگانی که این کتاب را روایت کرده‌اند، می‌توان به شیخ صدوق، نجاشی، شیخ سجستانی و شیخ طبرسی اشاره کرد (نجف، ۱۴۰۶ هـ.ق).

همچنین کتاب طب الرضا را امام رضا علیه السلام به درخواست مأمون، خلیفه عباسی، نگاشت و از آنجا که مأمون دستور داد آن را با آب طلا بنویسند، به رساله ذهبیه نیز مشهور شده است. علامه عسکری در تحقیق این کتاب می‌نویسد: «برای این رساله، سند مشهوری از ابن جمهور که ملازم حضرت از مدینه تا نیشابور بوده است ذکر شده و این شخص تصریح کرده که من حضور داشتم و حضرت این نامه را به مأمون نوشت. علما و محدثین هم با اتکا به گفته ابن جمهور

۱. این اثر منسوب بوده و در جاهای مختلفی چاپ شده است. ظاهراً این نسخه در دست برخی شیعیان بوده است. (نجاشی، ۱۴۱۶ هـ.ق، ص ۱۰۰)

این نامه را از حضرت می دانند...؛ من نسخه خطی این روایت نوفلی در کتابخانه آیت الله عسکری در سامرا پیدا کردم که دیدیم پس از بسم الله و حمد خداوند، چنین می نویسد... [متن روایت]» (عسکری، ۱۳۶۸). منتجب الدین در فهرست خود نیز شرحی بر این کتاب از ابوالرضا راوندی با عنوان ترجمه العلوٰی للطب الرضوی یاد می کند (منتجب الدین رازی، ۱۳۶۶، ص ۹۶).

برخلاف نظر عالمانی مانند محمدتقی مجلسی، پسرش [محمدباقر مجلسی]، محمود فاضل کاشانی، سید علی طباطبایی (صاحب ریاض)، سید محمد طباطبایی مجاهد (صاحب مفاتیح الاصول)، محدث بحرانی، ملا احمد نراقی، وحید بهبهانی و بسیاری از فقهای متأخر که به دلیل مرسل بودن روایت های این کتاب، به آن توجه ننموده و در استنباط احکام شرعی از آن استفاده نکرده اند، فقهایی نیز بر این کتاب اعتماد کرده و از روایات آن در استنباط احکام شرعی بهره برده اند. (قرشی، ۱۳۸۹، ۴۰۵/۱)

طبق گزارش دیگری، امام رضا (ع) رساله ای نیز با عنوان محض الاسلام درباره عقائد (ابن بابویه قمی، ۱۳۷۸ هـ.ق، ۱۲۱/۲) و احکام، خطاب به مأمون دارد که فضل بن شاذان آن را نوشته و روایت کرده است^۱ (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ هـ.ق، ص ۴۱۵). برابر گزارش شیخ طوسی (م ۴۶۰ هـ.ق)، علی، برادر دُعیل خُزاعی، در سال ۱۹۸ هجری-قمری در طوس به صورت املاء از امام رضا (ع) حدیث شنیده که سند آن روایات به امیرمؤمنان علی (ع) می رسید (طوسی، ۱۴۱۴ هـ.ق). بنا بر گزارش نجاشی (م ۴۵۰ هـ.ق) نیز، وی کتاب بزرگی از روایات امام رضا (ع) داشته است (نجاشی، ۱۴۱۶ هـ.ق)^۲. همچنین، ابوجعد احمد بن عامر طایی که امام رضا (ع) را در سال ۱۹۴ قمری درک کرده است، نسخه ای از روایات آن حضرت را داشته است.^۳ طبق گزارش شیخ صدوق (م ۳۸۱ هـ.ق)، وی نسخه ای از کتابی با عنوان الْحَبَاءِ وَالْشَّرْطِ را در اختیار داشته که حاوی سخنان امام رضا (ع) خطاب به فضل بن سهل و برادر او بوده است (ابن بابویه قمی، ۱۳۷۸ هـ.ق، ۱۵۴/۲)، اما به گفته یعقوبی (م ۲۹۲ هـ.ق) این کتاب را مأمون با عنوان الشرط والحباء برای فضل بن سهل نوشته است (یعقوبی، بی تا، ۴۵۱/۲). افزون بر این موارد، می توان گفت تعدادی از شیعیان دارای

۱. بنا بر نظر برخی در انتساب این آثار به امام رضا (ع)، به دلیل ضعف سندی و محتوایی و مغایرت آن با احکام مذهب امامیه، تردید است.
۲. طبق گزارش مشهور، بر فرض پذیرش کتابت علی، انتقال امام رضا (ع) به مرو در سال ۲۰۰ قمری، صحیح نیست. حسین بن محمد بن فضال نیز مناظرات امام رضا (ع) با پیروان ادیان را با عنوان مجالس الرضا (ع) مع أهل الأديان نگاشته است. در ضمن برای حسن بن محمد بن سهل نیز چنین کتابی ثبت شده است. (نجاشی، ۱۴۱۶ هـ.ق، ص ۵۷ و ۳۷)
۳. نجاشی، نسخه ای از نسخه احمد بن عامر را به روایت استادش ابن جندی از ابوالقاسم عبدالله بن احمد بن عامر از پدرش، در اختیار داشته است. (نجاشی، ۱۴۱۶ هـ.ق، ص ۲۲۹ و ۱۰۰) نسخه احمد بن عامر طایی با عنوان صحیفه الامام الرضا (ع) به چاپ رسیده و به فارسی نیز ترجمه شده است، اما برخی از معاصران، انتساب این کتاب به امام را درست نمی دانند.

کتاب‌هایی بوده‌اند که متن آنها را از امام رضا علیه السلام شنیده یا پرسش‌های خود را از محضر ایشان طرح کرده‌اند.^۱ به عنوان نمونه، از محمد بن عیسی یقطینی نقل شده است: «بعد از شهادت امام کاظم علیه السلام، مسائلی که از محضر [امام رضا علیه السلام] سؤال گردید و ایشان پاسخ داد را گردآوری کردم» (طوسی، ۱۴۱۱ ه.ق).

نقش فعال امام رضا علیه السلام در مباحث علمی موجب شد تا بسیاری به ایشان مراجعه کنند و عموم شیعیان مسائل خود را نزد حضرت می‌فرستادند تا پاسخ دریافت کنند. آنان مجموعه پرسش‌ها و پاسخ‌های امام رضا علیه السلام را با عنوان *المسائل الرضا علیه السلام* و *مسائل الی الرضا علیه السلام* منتشر می‌کردند.^۲ طبق گزارش‌های نجاشی (م ۴۵۰ ه.ق)، کتاب‌هایی با عنوان *مسائل الی الرضا علیه السلام*، *مسائل للرضا علیه السلام*، *مسائل الصباح بن نصر هندی للرضا علیه السلام*، *مسائل زکریا بن آدم الرضا علیه السلام*، *مسائل للرضا علیه السلام* و *مسائل عن الرضا علیه السلام*^۳ از سوی شیعیان به نگارش درآمده است. جالب آنکه شیخ طوسی (م ۴۶۰ ه.ق) کتاب *مسند الرضا علیه السلام* اثر اسماعیل بن رزین را از هلال حقار^۴ شنیده است (طوسی، ۱۴۲۰ ه.ق).

۲-۲-۳. تفسیر قرآن توسط امام رضا علیه السلام

امام رضا علیه السلام به «عالم آل محمد علیه السلام» مشهور بود (اربلی، ۱۳۸۱ ه.ق، ۳۱۷/۲)، به گونه‌ای که مأمون نیز بر آن اعتراف کرد (مفید، ۱۴۱۳ ه.ق، ۲۶۱/۲). اباصلت هروی درباره علم آن حضرت می‌گوید: «من، عالم‌تر از ایشان ندیدم» (اربلی، ۱۳۸۱ ه.ق، ۳۱۶/۲-۳۱۷). یکی از وجوه علم امام رضا علیه السلام که همگان از آن بهره‌مند می‌شدند، توجه به دانش تفسیر و قرائت قرآن بود (ابن بابویه قمی، ۱۳۹۸ ه.ق، ص ۲۳۳). آن حضرت همچنین شاگردان برجسته‌ای را تربیت نمود و قواعد تفسیری را به آنان آموخت (ابن بابویه قمی، ۱۳۷۸ ه.ق، ۲۹۰/۱). امام رضا علیه السلام در تبیین حضور همیشگی قرآن در زندگی مردم فرمودند: «مردم باید پیوسته قرآن را حفظ کنند و به تعلیم و تعلم آن مشغول باشند، تا از میان نرود

۱. «له کتاب عن الرضا علیه السلام». (نجاشی، ۱۴۱۶ ه.ق، ص ۱۶۱، ۲۷۷، ۴۰۹، ۴۳۲) «محمد بن عبدالله بن عمر صفار روی عن الرضا علیه السلام له نسخة تشبه کتاب الحلبي مبوبة کبيرة» (نجاشی، ۱۴۱۶ ه.ق، ص ۲۲۸، ۲۸۲، ۳۶۶)؛ «له مسائل الرضا علیه السلام یا مسائل عن الرضا علیه السلام» (نجاشی، ۱۴۱۶ ه.ق، ص ۱۷۴، ۲۰۲، ۲۲۷، ۲۹۷، ۴۱۰).

۲. حسن بن علی بن زیاد و شاء صاحب کتاب *مسائل الرضا علیه السلام* و ابراهیم بن بشر، صاحب کتاب *مسائل الی الرضا علیه السلام* بودند. (نجاشی، ۱۴۱۶ ه.ق، ص ۲۰۲، ۴۰، ۲۳).

۳. ر.ک.، احمد بن علی نجاشی، ۱۴۱۶ ه.ق، شماره مؤلف: ۳۵، ۸۰، ۹۱، ۲۴۸، ۴۲۵، ۴۳۶، ۴۵۸، ۴۷۰، ۴۷۱، ۵۳۹، ۵۹۸، ۸۰۵، ۸۸۸، ۱۰۹۴.

۴. آقا بزرگ تهرانی در شرح حال حقار، کتاب *امالی* را به وی نسبت داده و چنین می‌نگارد: «للسیخ أبی الفتح هلال بن محمد بن جعفر بن سعدان الحفار ببغداد المتوفی سنة ۴۱۴ عن اثنتین و تسعین سنة» و از قول شاگرد وی نقل می‌نماید که وی از شاگردان شیخ طوسی بوده و از وی در *امالی* روایت نقل نموده است و همین موضوع دلالت بر تشیع وی دارد. (الطهرانی، ۱۴۰۸، ۳۱۵/۲)



و نادیده گرفته نشود» (ابن بابویه قمی، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۱/۳۱۰).

آن حضرت ضمن آنکه در مباحث خود به قرآن استناد می‌کرد (کلینی، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۲/۲۴۳-۲۴۴)، از روش تفسیر قرآن به قرآن نیز بهره می‌بردند (ابن بابویه قمی، ۱۳۹۸ هـ.ق، ص ۱۶۰). درباره روایات تفسیری ایشان می‌توان گفت، افزون بر منابع امامیه که تفسیر برخی آیات را مستند به روایات امام ذکر کرده‌اند (ابن بابویه قمی، ۱۳۷۸ هـ.ق، ۱/۲۹۰)، ابن حجر عسقلانی (م ۸۵۲ هـ.ق) - از عالمان اهل سنت - نیز شواهدی از روایات تفسیری امام رضا (علیه السلام) را که در منابع عامه منعکس شده، ذکر می‌کند (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵ هـ.ق، ۲/۲۲۵).

۲-۲-۴. نقل حدیث توسط امام رضا (علیه السلام)

امام رضا (علیه السلام) همانند اجداد خود، مُحدِّث بود و ضمن اشراف کامل بر حدیث پیامبر (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت (علیهم السلام)، در دِرَایَةُ الحدیث^۱، رجال، اختلاف حدیث^۲ و فقه الحدیث نیز تبحر داشت و استفاده از آن را به شیعیان سفارش می‌کردند (ابن بابویه قمی، ۱۳۷۸ هـ.ق، ۱/۲۹۰). طبق شواهد تاریخی، آن حضرت کتاب جامع یا صحیفه یا کتاب علی (علیه السلام)^۳ را در اختیار داشت. این اشراف امام بر حدیث چنان بود که جمعی از شیعیان، کتاب الفرائض عبدالله بن سعید بن حیان (نجاشی، ۱۴۱۶ هـ.ق، ص ۲۱۷) و یونس بن عبدالرحمان، کتاب الدیات / میرمؤمنان (علیه السلام) (کلینی، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۷/۳۱۱ و ۳۳۰) و کتاب‌هایی از اصحاب صادقین (علیهم السلام) را بر امام رضا (علیه السلام) عرضه کردند؛ امام نیز کتاب‌های امیرمؤمنان علی (علیه السلام) را تأیید و حدیث‌های بسیاری از کتاب‌های اصحاب صادقین (علیهم السلام) را رد و نسبت آنها را با صادقین (علیهم السلام) تکذیب کرد (طوسی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۲/۴۸۹).

۲-۲-۵. فقه امام رضا (علیه السلام)

از دیگر وجوه دانش امام رضا (علیه السلام)، فقه و نقش‌آفرینی در قامت یک فقیه و صدور فتوا بود. قدرت استدلال فقهی امام آن قدر محکم و دقیق بود که فقهای عامه در محضر مأمون بر آن اقرار می‌کردند (ابن بابویه قمی، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۴/۱۷۳) یا از رأی خود برمی‌گشتند (ابن بابویه قمی، ۱۳۷۸ هـ.ق،

۱. دِرَایَةُ الحدیث، از شاخه‌های علوم حدیثی است. این دانش در گذشته به بررسی مفهوم و سند حدیث می‌پرداخت، ولی در اصطلاح کنونی، بیشتر به بررسی سند روایات پرداخته و مفهوم شناسی را به علم «فقه الحدیث» واگذار کرده است.
 ۲. عبدالله بن صالح هروی، دو حدیث متفاوت درباره کفاره روزه خواری در ماه رمضان را مطرح کرد که امام رضا (علیه السلام) با جمع دو روایت، به دلیل صدور روایات پاسخ داد و مفاد احادیث را برای وی روشن کرد. (طوسی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۴/۲۰۹)
 ۳. اوصاف یادشده برای این کتاب‌ها یکی است و این می‌تواند دلیل بر یکی بودن آنها باشد. در منابع سنی، از صحیفه‌ای یاد شده که در زمان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نوشته شده و حاوی مطالبی درباره حرم مدینه، ذمه مسلمانان و امان ایشان، تساوی خون مسلمانان، عدم قصاص مسلمانان در برابر قتل کافر، آزادکردن اسرای مسلمانان و برخی گناهان کبیره است.

۸۸/۲). می‌توان گفت یکی از موضوعات اصلی و مورد نیاز شیعیان، دانش فقه بود که امام رضا علیه السلام از همان آغاز امامت، جلسات درس را به آن اختصاص داد و به پرسش‌های فقهی شیعه و عامه - به طور حضوری یا مکاتبه‌ای - پاسخ می‌گفت. برای نمونه، محمد بن عیسی یقطینی مسائل شرعی و فقهی خود را از آن حضرت می‌پرسید و پاسخ آنها را یادداشت می‌کرد (طوسی، ۱۴۱۱ ه.ق، ص ۷۳). یونس بن عبد الرحمان یا برخی شیعیان نیز در بصره مسائل فقهی خود را از امام علیه السلام می‌پرسیدند (کلینی، ۱۴۰۴ ه.ق، ۳۲۳/۴؛ کلینی، ۱۴۰۴ ه.ق، ۲۵۲/۶). آن حضرت، افزون بر پاسخ‌گویی به سؤال‌های شرعی، به تبیین علت یا فلسفه احکام و کیفیت استنباط حکم شرعی نیز می‌پرداختند (ر.ک.، ابن بابویه قمی، ۱۳۷۸ ه.ق، ۸۸/۲).

۲-۲-۶. علم کلام امام رضا علیه السلام

یکی دیگر از محورهای دانش امام رضا علیه السلام، علم کلام بود. در این دوره، مأمون مخالف اهل حدیث بود و از معتزله و فلسفه یونان حمایت می‌کرد. (طبری، ۱۳۸۷ ه.ق، ۶۱۹/۸، ۶۳۱ و ۶۴۴؛ ذهبی، ۱۳۷۴ ه.ق، ۲۰۹/۱) این حمایت‌ها باعث رشد تفکرات اعتزال و فعالیت مخفیانه اهل حدیث شد. در چنین فضایی، امام رضا علیه السلام ضمن نقد دیدگاه‌های کلامی معتزله درباره مرتکب گناه کبیره (ابن بابویه قمی، ۱۳۹۸ ه.ق، ص ۴۰۶)، در مقابل جریان اهل حدیث بر تعقل در استدلال و استنباط تأکید می‌کرد و به موضوعات مهمی همانند توحید^۱، نبوت، امامت (کلینی، ۱۴۰۴ ه.ق، ۱۹۹/۱)، جبر و تفویض، استطاعت، قضا و قدر و دیگر مباحث کلامی می‌پرداختند (برقی، ۱۳۷۱ ه.ق، ۱۹۴/۱). برای نمونه، آن حضرت ضمن ارائه تصویری صحیح از توحید در میان اصحاب امامیه (ابن بابویه قمی، ۱۳۷۸ ه.ق، ۱۱۹/۱ و ۱۴۲)، در مبارزه با تفکر اهل حدیث یا اشاعره - که در بحث توحید، صفات را دارای عینیتی خارج از ذات می‌دانستند - روایاتی را ناظر به عینیت صفات با ذات بیان کرد (ابن بابویه قمی، ۱۳۹۸ ه.ق، ص ۳۵). همچنین، در مسئله جبر و اختیار، ضمن بیان دیدگاه امامیه و آموزش قواعد کلامی^۲، نکاتی را در تبیین سخنان امام صادق علیه السلام درباره جبر و تفویض خطاب به احمد بن محمد بن ابی نصر فرمود. در این گزارش، آن حضرت دیدگاه مَفُوضه و مُجَبَّره را نقد نمود (ابن بابویه قمی، ۱۳۷۸ ه.ق، ۱۲۴/۱ و ۱۴۴).

۱. مباحث مطرح شده از سوی امام رضا علیه السلام در دفاع از توحید در مقابل اهل حدیث و دیگر جریان‌های انحرافی، گویای این است که ایشان وحدت وجود فلسفی را نیز مطرح کرده است. (ابن بابویه قمی، ۱۳۹۸ ه.ق، ص ۴۷)
 ۲. امام رضا علیه السلام قاعده‌ای در تبیین دیدگاه امامیه درباره قضا و قدر را به سلیمان بن جعفر جعفری یاد داد. (ابن بابویه قمی، ۱۳۹۸ ه.ق، ص ۳۶۱)



مناظره با رهبران ادیان - همانند جاثلیق، رأس الجالوت، عُمران صابی، هربز زردشتی و نسطاس رومی (ابن بابویه قمی، ۱۳۷۸ هـ.ق، ص ۱۵۴) - و نیز با فرق و مذاهب اسلامی مانند مناظره با سلیمان مروزی (در موضوع توحید) (ابن بابویه قمی، ۱۳۹۸ هـ.ق، ص ۴۴۱)، علی بن محمد بن جهم (در مسئله عصمت پیامبر ﷺ) (ابن بابویه قمی، ۱۴۰۰ هـ.ق، ص ۹۰) و ابوقُرّه (در مباحث توحید و فقه) (کلینی، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۱/۹۶) و حتی مناظره با زناده، بخشی از فعالیت‌های علمی امام رضا (علیه السلام) در حوزه کلام بود. محور بیشتر این مناظره‌ها، مباحثی همچون توحید، نبوت و امامت بود. نتیجه این جلسات، اعتراف همگان بر توان علمی امام رضا (علیه السلام) و تمایل به حق بود. این مناظره‌ها در آثار تاریخی و حدیثی شیعه و دیگران انعکاس یافته و حسین بن محمد بن فضل (در همان صدر اسلام)، آنها را در کتابی با عنوان *مجالس الرضا (علیه السلام) مع أهل الأديان* تألیف کرده است (نجاشی، ۱۴۱۶ هـ.ق، ص ۳۷ و ۵۷).

شیخ صدوق در *عیون اخبار الرضا*، علامه مجلسی در جلد ۴۹ *بحار الانوار*، و استاد عزیزالله عطاردی در جلد دوم کتاب *مسند الامام الرضا* مهم‌ترین این مناظرات را چنین بیان کرده‌اند: مناظره با جاثلیق (پیشوای عیسویان)؛ مناظره با رأس الجالوت (پیشوای یهودیان)؛ مناظره با هربز اکبر (پیشوای زردشتیان)؛ مناظره با عمران صائبی (از پیروان حضرت یحیی (علیه السلام))؛ مناظره با سلیمان مروزی (عالم بزرگ کلامی در خراسان)؛ مناظره با علی بن محمد بن جهم (ناصبی و دشمن اهل بیت (علیهم السلام)) و مناظره با ارباب مذاهب مختلف در بصره.

امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام) توانست شاگردان برجسته‌ای را نیز در حوزه کلام تربیت کند. برای نمونه، خطاب به یونس درباره «معرفت» فرمود: «معرفت، اکتسابی نیست» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ هـ.ق، ص ۴۴۴). شاگردان نیز بر انتشار این آموزه‌های کلامی اهتمام داشتند. برای نمونه، ابوعثمان مازنی - از پیروان مکتب فکری هشام بن حکم - روایاتی را از امام رضا (علیه السلام) به‌ویژه در تبیین مسئله استطاعت^۱ نقل کرده است. ابوعثمان مازنی از امام رضا (علیه السلام) پرسید: «آیا خداوند بندگانش را تکلیف به مالایطاق می‌کند؟» آن حضرت فرمود: «خداوند عادل‌تر از آن است که چنین تکلیفی کند». باز پرسید: «آیا بندگان توانایی انجام هرآن‌چه را که اراده بکنند، دارند؟» امام فرمود: «بندگان عاجزتر از آن هستند» (مزی، ۱۴۰۶ هـ.ق، ۲۱/۱۵۱-۱۵۲).

۱. امام رضا (علیه السلام) فرمود: «توانایی انسان، بر انجام آنچه به آن مأمور گردیده و اجتناب از آن چه نهی گردیده است، تعلق می‌گیرد». (ابن بابویه قمی، ۱۳۷۸ هـ.ق، ۱/۱۲۴)

۲-۳. بیان تاریخ و سیره اهل بیت علیهم السلام

امام رضا علیه السلام همانند اجداد خویش، آگاهی و تسلط کاملی بر تاریخ و سیره انبیاء علیهم السلام و اهل بیت علیهم السلام داشت. ایشان در موارد متعدد، برای پاسخ به نیازها و پرسش های پیروان و دیگران، به سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله یا ائمه اطهار علیهم السلام استناد می کرد. (ابن بابویه قمی، ۱۴۰۰ هـ.ق، ص ۲۷).

۲-۴. استفاده از روش اجتهاد

در فضایی که معتزله، اشاعره و حتی ادیان دیگر، فعالیت های آموزشی و تبلیغی گسترده ای داشتند و پرسش ها و شبهات کلامی فراوان بود، به علاوه، روش های آموزشی اهل حدیث باعث می شد برخی از شیعیان تحت تأثیر آموزه های آنان قرار گیرند، عالمان شیعه برای حل شبهات و جلوگیری از گمراهی دیگران، مرجع نهایی پاسخ گویی را امام رضا علیه السلام می دانستند. آن حضرت، افزون بر تمییز روایات صحیح از ناصواب، قواعد و روش های آموزشی صحیح را به آنان می آموخت. چنان که فرمود: «هر آن چه را که قرآن و سنت صحت آن را تأیید می کند، ما آن را می پذیریم» (ابن بابویه قمی، ۱۳۹۸ هـ.ق، ص ۱۱۳؛ طوسی، ۱۴۱۱ هـ.ق، ص ۴۳-۴۸). همچنین، ضمن سفارش اصحاب به اجتهاد، طریقه آن را آموزش داده و می فرمود: «بر ما، بیان اصول است و بر شما، استخراج فروع - از اصول - است» (حلی، ۱۴۱۰ هـ.ق، ۵۷۵/۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳ هـ.ق، ۲۴۵/۲).

یکی از مشکلات فقه الحدیث، فهم احادیث متشابه است. امام رضا علیه السلام در این زمینه نیز برای آموزش روش اجتهاد و رفع تحیر، قاعده ای کارآمد و پرکاربرد در فقه الحدیث را به شیعیان خود تعلیم داد؛ آنجا که فرمود: «به راستی که در اخبار ما محکم وجود دارد، مانند آیات محکم قرآن و متشابه وجود دارد، مانند آیات متشابه قرآن. بنابراین، از اخبار، متشابه آن را به محکم باز گردانید و از اخبار متشابه، بدون محکم پیروی نکنید، - که در غیر این صورت - گمراه می گردید» (ابن بابویه قمی، ۱۳۷۸ هـ.ق، ۲۹۰/۱).

از منظر امام رضا علیه السلام، داشتن آگاهی، درایت و فهم حدیث برای صدور فتوا، از دیگر لوازم اجتهاد بود که امام علیه السلام به شیعیان تذکر می داد. (ابن بابویه قمی، ۱۳۷۸ هـ.ق، ص ۳۰۷) آن حضرت، ضمن نقد روش قیاس در اجتهاد و منع شیعیان از به کارگیری آن (حمیری، ۱۴۱۳ هـ.ق، ص ۳۵۶) و تذکر به تفقه و درایت در نقل حدیث (خطیب بغدادی، ۱۴۰۸ هـ.ق، ص ۳۱)، درباره صدور فتوای بدون علم فرمود: «هرکس بدون علم برای مردم فتوا دهد، فرشتگان او را لعنت کنند» (برقی، ۱۳۷۱ هـ.ق، ۲۰۵/۱).





پیشتر اشاره شد که تربیت مجتهد برای پاسخ‌گویی به نیازهای شرعی مردم، بخشی از اقدامات آموزشی امام رضا (علیه السلام) بود. شاگردان و نمایندگان امام رضا (علیه السلام) در صورتی که قادر به پاسخ‌گویی نبودند، باید جانب احتیاط در فتوا را رعایت می‌کردند تا به حکم صحیح برسند. بنابراین، اگر قادر به تشخیص نبودند، باید از آن امام سؤال می‌کردند. برای نمونه، عبدالرحمان بن حجاج از وکلا و فقیهان سرشناس شیعه که محل رجوع مردم برای پرسش‌های شرعی بود، نقل می‌کند: «برخی از شیعیان، حکم صید در حال احرام را پرسیدند و من پاسخ آن را نمی‌دانستم». امام رضا (علیه السلام) فرمودند: «اگر با چنین مسائلی برخورد کردید و حکم آن را ندانستید، باید احتیاط کنید، تا آن هنگام که از ما پیرسید و تکلیف خود را معلوم کنید» (کلینی، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۳۹۱/۴). از دیگر اقدامات آموزشی آن حضرت، جرح و تعدیل (ارزیابی وثاقت و عدم وثاقت) راویان بود. ایشان ضمن قدح افرادی چون محمد بن فرات، هشام بن ابراهیم عباسی و برخی سران واقفه به دلیل جعل اخبار (کلینی، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۱۴/۲؛ طوسی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۸۲۹/۲)، در مدح ابوحمره ثمالی، او را به سلمان و لقمان حکیم تشبیه کرد (کلینی، ۱۴۰۴ هـ.ق، ص ۴۵۸ و ۷۸۱). همچنین، از شخصیت علمی و عقیدتی هشام بن حکم (طوسی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۵۴۷/۲)، یونس بن عبدالرحمان، زکریابن آدم، صفوان بن یحیی و حسن بن محبوب دفاع می‌کرد (طوسی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ص ۷۷۹ و ۸۵۸).

اسناددهی و ارجاع سند روایات به رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و مطرح کردن نام اهل بیت (علیهم السلام)، آن هم در فضای فعالیت‌های آموزشی معتزله و اشاعره، از دیگر اقدامات آموزشی امام رضا (علیه السلام) بود. هدف ایشان آن بود که در این فضا، نام اهل بیت (علیهم السلام) را زنده نگه دارد و مرجعیت علمی آنان را مطرح نماید. شواهد نشان می‌دهد که شاید به اقتضای اینکه در مکالمات بین مذاهب، اهل تسنن از جایگاه حدیث نبوی (صلی الله علیه و آله و سلم) نزد امامیه پرسش می‌کردند، امام رضا (علیه السلام) بیشتر کوشش داشت تا اسانید متصل به خود از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را ارائه کند و همین موضوع موجب شده بود محفل ایشان برای اصحاب حدیث عامه نیز پرجاذبه باشد؛ چنان‌که محدثان نیشابور از جمله اسحاق بن راهویه، حدیث سلسله‌الذهب را از ایشان شنیدند. در این حدیث، امام رضا (علیه السلام) به نام تمامی امامان تا رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و الهی بودن مضمون این حدیث اشاره کرده است (طوسی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ص ۲۳۵) و به همین دلیل به «سلسله‌الذهب» معروف شد. ارائه سند بیشتر روایات به رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و اثبات سیره

مستمره آن حضرت در میان اهل بیت علیهم السلام چنان بود که شیعیان نیز بر آن پایبند بودند. برای نمونه، اباصلت هروی، روایتی درباره ایمان خواند و سند آن را از طریق اهل بیت علیهم السلام به پیامبر صلی الله علیه و آله رساند (طوسی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ص ۴۴۹).

در کنار بهره‌گیری از تأویل یا تفسیر نصوص دینی^۱، تأکید بر استفاده از ابزار عقل و روش به‌کارگیری آن در کنار وحی و سنت (کلینی، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۱/۲۵)، از آموزه‌های علمی و آموزشی امام رضا علیه السلام بود. ایشان در گفت‌وگوهای دینی، بسیار از استدلال‌های عقلی و براهین منطقی استفاده می‌کرد. اثبات صانع از طریق برهان نظم برای یک زندیق، نمونه‌ای از کاربردی عقل در مسائل کلامی است (ابن بابویه قمی، ۱۳۹۸ هـ.ق، ص ۲۵۰-۲۵۱). همچنین، قرار گرفتن عقل در مقام تصدیق یا تکذیب مسائل توحیدی و نیز چگونگی ارتباط ذات با صفات خداوند، تأکید مجددی بر راه‌گشایی عقل در مسائل کلامی است (ابن بابویه قمی، ۱۳۸۵ هـ.ق، ۱/۱۲۱). استفاده از ابزار عقل و بهره‌جویی از نصوص دینی در مناظرات کلامی، نقش بالایی در سیره علمی امام رضا علیه السلام دارد. برای نمونه، معتزلیان مرتکب گناه کبیره را نه مؤمن و نه کافر می‌دانستند بلکه وی را در شمار فاسقان قرار می‌دادند. امام رضا علیه السلام با تمسک به آیه «إِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ لِلنَّاسِ عَلَى ظُلْمِهِمْ؛ و به درستی که پروردگار تو صاحب آمرزش برای مردمی است که ظلم می‌کنند» (رعد: ۶) فرمود: «قرآن، در این مسئله برخلاف باور معتزله نازل شده است» (ابن بابویه قمی، ۱۳۹۸ هـ.ق، ص ۴۰۶). دعوت به مناظره و گفت‌وگو، به‌کارگیری روش‌های مناظره، توجه به مسائل روانی و امنیت پرسش‌گران، صبر و حوصله فراوان در پاسخ به مسائل اختلافی، آزاد گذاشتن مخاطب در پرسش‌گری، دعوت به حق‌مداری و رعایت انصاف در گفتگوهای دینی، بهره‌گیری از آموزه‌های قرآنی در مناظرات، مستندگویی و تمسک به باورهای خصم، تداوم مناظره تا مرحله اقناع یا اسکات خصم، و تقید به امور شرعی و اخلاقی از نکاتی است که در روش مناظره امام رضا علیه السلام با گروه‌های مختلف دیده می‌شود.

۲-۵. نظارت بر متون و اندیشه‌های شاگردان

پیشتر اشاره شد که برپایه این روش علمی، کسانی چون جعفر بن عیسی بن عبید بن یقطین که مباحث کلامی خود را نزد یونس بن عبدالرحمان و هشام یاد گرفته بودند از امام رضا علیه السلام

۱. همانند توجیه ابوقره در استنباط از قرآن درباره توحید. (کلینی، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۱/۹۶)

خواستار ارزیابی آموزه‌های آنان بودند. (طوسی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۷۸۹/۲) در گزارشی نیز چنین آمده است: «ابوالاسود، داماد علی بن یقطین، از قول امام رضا (ع) علیه هشام اخباری را نشر داد. امام در دفاع از هشام بن حکم فرمودند: «برخی به خاطر حسادت، هشام را اذیت می‌کنند»» (طوسی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ص ۵۴۷). همچنین، اگرچه آن حضرت برخی فتاوی فقهای یونس را ناصواب می‌دانست،^۱ با حمایت از دیدگاه یونس در مقابل کسانی که قصد تخریب او را داشتند و نیز با ارجاع شیعیان به وی، موجب تقویت او در بصره شد (طوسی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۷۸۴/۲).

امام رضا (ع) افزون بر متون امامیه، بر روایاتی که از سوی مخالفان به نام اهل بیت (ع) یا شیعه منتشر می‌شد، کنترل و نظارت داشت. آن حضرت درباره حدیث منتشر شده از زُرعه بن محمد حَضَرَمی واقفی پیرامون حیات امام کاظم (ع) فرمود: «زُرعه، دروغ بافته است. وی، حدیث سَماعه بن مهران درباره پدرم را تغییر داده است» (طوسی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ص ۷۷۴). ایشان در برابر برخی عامه نیز که عقائدی را به اهل بیت (ع) نسبت می‌دادند، روایات آنان را تهمت خواندند (ابن بابویه قمی، ۱۳۷۸ هـ.ق، ۱۴۲/۱).

کنترل روایاتی که با ساختار امامیه سازگار نبود و توسط برخی با نام اهل بیت (ع) منتشر می‌شد، مورد عنایت عالمان شیعه نیز بود. آنان این اخبار را بر امام معصوم عرضه می‌کردند تا از صحت و سقم خبر آگاهی یابند. برای نمونه، محمد بن عبدالله روایتی از اجدادش (کلینی، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۲۲/۵) و عبدالسلام بن صالح (ابن بابویه قمی، ۱۳۷۸ هـ.ق، ۲۷۳/۱ و ۳۱۴) روایاتی را بر امام رضا (ع) عرضه کردند. از ریّان بن صلت نیز نقل شده است: «روزی در خراسان از امام رضا (ع) سؤال کردم که ای مولای من! هشام بن ابراهیم عباسی از شما روایتی نقل کرده است مبنی بر اینکه گوش دادن به غنا جایز است. آن حضرت فرمود: این زندیق، دروغ گفته است؛ زیرا که از من این مسئله را سؤال کرد، من نیز گفتم که مردی از امام باقر (ع) این مسئله را سؤال کرد و آن جناب فرمود: چون حق تعالی در روز قیامت میان حق و باطل جدا کند، غنا در کدام طرف باشد، آن مرد گفت: در طرف باطل باشد؛ امام نیز فرمود: حکمش را خودت بیان کردی» (ابن بابویه قمی، ۱۳۷۸ هـ.ق، ۱۴/۲).

۱. در این روایت، امام رضا (ع) در بصره بوده و یونس و پدرش را فاسق دانسته و لعن کرده است. طبق شواهد روایی تأیید شخصیت یونس، به نظر می‌رسد این گزارش صحیح نباشد.

۳. نتیجه‌گیری

در بررسی سیره علمی و فرهنگی امام رضا علیه السلام، نتیجه گرفته می‌شود که سخنان کسانی چون ابن تیمیه فاقد مبنای علمی بوده و امام رضا علیه السلام با ایفای نقش حداکثری در وضعیت علمی و آموزشی، میراث گران بهایی از خویش در حوزه‌های تربیت شاگرد، تولید آثار مکتوب و پرداختن به دانش‌های اسلامی به جا گذاشته است. آن حضرت، ضمن آموزش روش‌های علمی اجتهاد، بر نظام آموزشی مبتنی بر آموزه‌های شیعی تأکید نموده و جریان علمی‌ای را راه‌اندازی کرد که مورد تأکید علمای عامه نیز قرار گرفته است. در حوزه فقه، استدلالات فقهی حضرت به گونه‌ای بود که فقهای عامه در حضور مأمون به آن اقرار می‌نمودند. در حوزه کلام، موضوعات مهمی نظیر توحید، نبوت و امامت، جبر و تفویض، قضا و قدر و همچنین نقد دیدگاه‌های مفسّره و مجبّره و نیز مناظره‌های متعدد با رهبران ادیان گوناگون، از جمله محورهای مهم مباحث علمی ایشان بوده است. همچنین، حضرت در تفسیر قرآن و بیان روایات تفسیری، روایات بسیاری داشته که ابن حجر عسقلانی به برخی از آنها اشاره نموده است. بازخوانی میراث نبوی، تفقه در دین، نگارش احادیث و ترویج علوم اهل بیت علیهم السلام نیز از دیگر فعالیت‌های آموزشی ایشان به شمار می‌رود.

علاوه بر آنچه بیان شد، برگزاری حلقه‌های آموزشی در منزل و شهرهایی چون مدینه، بصره و مرو برای شیعیان، تا اندازه‌ای بود که حتی موجب احترام ایشان نزد علمای عامه شد؛ تا آنجا که برخی از این علما، همانند ابن حبان و ابن عدی جرجانی، به نقل حدیث از ایشان پرداختند و برخی احادیث امام، مانند حدیث سلسله‌الذهب، در منابعی (از عامه) همچون آثار ابن عساکر، خطیب بغدادی، بیهقی و مزی نقل شده است.

در خصوص آثار مکتوب نیز کتاب‌هایی نظیر صحیفه‌الرضا، طب‌الرضا و فقه‌الرضا و نیز رساله‌ای با عنوان محض الاسلام در باب عقاید را به امام رضا علیه السلام نسبت داده‌اند. این فعالیت‌ها به گونه‌ای بود که مورد توجه عموم مردم معاصر آن حضرت قرار گرفت تا آنجا که امام رضا علیه السلام از این طریق توانست الگوی یک نظام آموزشی فعال و مترقی را به جامعه اسلامی معرفی نموده و آن را از بحران‌های موجود عبور دهد.



- * قرآن کریم (۱۳۸۲). مترجم: الهی قمشه ای، مهدی. قم: الهادی.
۱. ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، محمد بن علی (۱۳۷۸ هـ.ق). عیون أخبار الرضا علیه السلام. تهران: جهان.
۲. ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، محمد بن علی (۱۳۸۵ هـ.ق). علل الشرائع. قم: داوری.
۳. ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، محمد بن علی (۱۳۹۸ هـ.ق). التوحید. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴. ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، محمد بن علی (۱۴۰۰ هـ.ق). الأمالی. بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۵. ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، محمد بن علی (۱۴۰۴ هـ.ق). کتاب من لا یحضره الفقیه. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۶. ابن تیمیہ، احمد بن عبدالحلیم (۱۴۰۶ هـ.ق). منهاج السنة النبویة. محقق: محمد رشاد سالم. عربستان: ادارة الثقافة والنشر بجامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامية.
۷. ابن حبان، محمد (۱۹۷۳). الثقات. حیدرآباد: مجلس دائرة المعارف العثمانية.
۸. ابن حبان، محمد (بی تا). المجروحین. مکة المكرمة: دارالباز للنشر والتوزيع.
۹. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (۱۴۰۴ هـ.ق). تهذیب التهذیب. بیروت: دارالفکر للطباعة والنشر.
۱۰. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (۱۴۱۵ هـ.ق). الإصابة فی تمييز الصحابة. محقق: عادل احمد عبدالموجود، علی محمد معوض. بیروت: دارالکتب العلمية.
۱۱. ابن سلامة قضا، محمد (۱۴۰۵ هـ.ق). مسند الشهاب. بیروت: مؤسسة الرسالة.
۱۲. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ هـ.ق). تحف العقول عن آل الرسول ﷺ. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۳. ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۷۹ هـ.ق). مناقب آل أبي طالب علیه السلام. قم: علامه.
۱۴. ابن عدی جرجانی، عبدالله بن احمد (۱۴۰۹ هـ.ق). الكامل فی ضعفاء الرجال. بیروت: دارالفکر.
۱۵. ابن عساکر، علی بن حسن (۱۴۱۷ هـ.ق). تاریخ مدينة دمشق. بیروت: دارالفکر.
۱۶. اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱ هـ.ق). كشف الغمة فی معرفة الأئمة علیهم السلام. تبریز: بنی هاشمی.
۱۷. برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱ هـ.ق). المحاسن. قم: دارالکتب الإسلامية.
۱۸. بیهقی، احمد بن حسین (۱۴۱۰ هـ.ق). شعب الإيمان. بیروت: دارالکتب العلمية.
۱۹. پاکتچی، احمد (۱۳۸۴). تاریخ حدیث. تقرير: رجبی قدسی، محسن. تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۲۰. پیشوایی، مهدی (۱۳۹۰). سیره پیشوایان. قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۲۱. حسینی جلالی، محمدرضا (۱۳۷۶). تدوین السنة الشریفة. قم: مکتب الإعلام الإسلامي.
۲۲. حلی، محمد بن احمد بن ادريس (۱۴۱۰ هـ.ق). السرائر الحاوی لتحرير الفتاوى. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۳. حمیری، عبدالله بن جعفر (۱۴۱۳ هـ.ق). قرب الإسناد. قم: مؤسسة آل البيت علیه السلام.
۲۴. خطیب بغدادی، احمد بن علی (۱۴۰۸ هـ.ق). نصیحة أهل الحديث. اردن: دار المنار.
۲۵. دارقطنی، علی بن عمر (۱۴۱۸ هـ.ق). السنن. بیروت: دارالکتب العلمية.
۲۶. ذهبی، محمد بن احمد (۱۳۷۴ هـ.ق). تذکرة الحفاظ. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۷. ذهبی، محمد بن احمد (۱۴۱۳ هـ.ق). سیر أعلام النبلاء. محقق: شعيب الأرناؤوط، و دیگران. بیروت: مؤسسة الرسالة.
۲۸. صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴ هـ.ق). بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد ﷺ. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۲۹. طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷ هـ.ق). تاریخ الأمم والملوک. تحقیق: محمد أبو الفضل ابراهیم. بیروت: دار التراث.
۳۰. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ هـ.ق). تهذیب الأحکام. تهران: دارالکتب الإسلامية.
۳۱. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ هـ.ق). اختیار معرفة الرجال (رجال الکشی). مشهد: دانشگاه مشهد.
۳۲. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱ هـ.ق). الغیبة. قم: دارالمعارف الإسلامية.
۳۳. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ هـ.ق). الأمالی. قم: دارالثقافة.
۳۴. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۲۰ هـ.ق). فهرست کتب الشيعة وأصولهم. قم: مکتبه محقق طباطبائی.
۳۵. عسکری، سید مرتضی (۱۳۶۸). طب الرضا علیه السلام. طب و درمان در اسلام. مترجم: کاظم خلخالی. تهران: فواد.
۳۶. قرشی، باقر شریف (۱۳۸۹). پژوهشی دقیق در زندگانی امام علی بن موسی الرضا علیه السلام. مترجم: جاسم رشید، و صالحی، سید محمد. قم: دارالکتب الإسلامية.
۳۷. قطب راوندی، سعید بن هبة الله (۱۴۰۹ هـ.ق). الخرائج والجرائح. قم: مدرسه امام مهدی (عج).
۳۸. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۴ هـ.ق). الکافی. تحقیق: علی اکبر غفاری. تهران: دارالکتب الإسلامية.
۳۹. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ هـ.ق). بحار الأنوار. بیروت: دار احیاء التراث العربی.



۴۰. مزّی، یوسف بن عبدالرحمن (۱۴۰۶ هـ.ق). تهذيب الكمال في أسماء الرجال. بيروت: مؤسسة الرسالة.
۴۱. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ هـ.ق). الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد. قم: کنگره شیخ مفید.
۴۲. منتجب الدین رازی، علی بن عبیدالله (۱۳۶۶). فهرست منتجب الدین. قم: کتابخانه عمومی آیت الله العظمی مرعشی نجفی.
۴۳. میرخانی، احمد (۱۳۵۷). سیر حدیث در اسلام. تهران: گنجینه.
۴۴. نجاشی، احمد بن علی (۱۴۱۶ هـ.ق). فهرست أسماء مصنفی الشيعة (رجال النجاشی). قم: جامعة مدرسين حوزه علمية قم.
۴۵. نجف، محمد مهدی (۱۴۰۶ هـ.ق). نشر کنگره جهانی حضرت رضا علیه السلام. مشهد: کنگره جهانی حضرت رضا علیه السلام.
۴۶. یعقوبی، احمد بن ابی واضح (بی تا). تاریخ یعقوبی. بیروت: دار صادر.

